

هو العليم

توسعه مسجد الحرام در زمان حضرت صادق و حضرت کاظم علیهما السلام

مطاع انوار، جلد ۲؛ اسرار ملکوت، جلد ۲

در تفسیر المیزان ج ۳ ص ۳۹۳ گوید: و فی تفسیر العیاشی عن عبد الصمد، قال: طلب أبو جعفر أن یشتري من أهل مكة بیوتهم أن یزید فی المسجد؛ فأبوا فأرغبهم فامتنعوا؛ فضاقت بذلك. فأتی أبا عبد الله علیه السلام؛ فقال له: إني سألت هؤلاء شیئاً من منازلهم و أفنیتهم لنزید فی المسجد؛ و قد منعوا فی ذلك؛ فقد غمّنی غمّاً شديداً.

فقال أبو عبد الله علیه السلام: لم یغمّك ذلك: و حجّتك علیهم فیها ظاهرة! فقال: و بها احتجّ علیهم؟ فقال بكتاب الله. فقال: فی أي موضع؟!

فقال: قول الله: **(إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِنَكَّةَ)** و قد أخبرك الله: إنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ للناس هو الذي ببكة؛ فان كانوا هم تولّوا قبل البيت فلهم أفنیتهم؛ و إن كان البيت قديماً فیهم فله فنائه. فدعاهم أبو جعفر فاحتجّ علیهم بهذا. فقالوا له: اصنع ما أحببت.

و فیها (ای فی تفسیر العیاشی) عن الحسن بن علی بن نعمان، قال: لما بنی المهدي فی المسجد الحرام؛ بقیت دار فی تریع المسجد؛ فطلبها من أربابها فامتنعوا. فسأل عن ذلك الفقهاء؛ فكلّ قال له: إنّه لا ینبغی ان تدخل شیئاً فی المسجد الحرام غصباً.

فقال له علی بن یقطين: یا أمیر المؤمنین؛ إني اکتب الی موسى بن جعفر علیهما السلام لإخبارك بوجه الأمر فی ذلك؛ فکتب الی والی المدينة أن یسأل موسى بن جعفر علیهما السلام عن دار أردنا أن ندخلها فی المسجد الحرام؛ فامتنع علیها صاحبها؛ فكیف المخرج من ذلك؟!

فقال ذلك لأبی الحسن علیه السلام: فقال أبو الحسن علیه السلام، فلا بدّ من الجواب فی هذا؟! فقال له: الأمر لا بدّ منه. فقال له: اکتب: بسم الله الرحمن الرحیم ان كانت الكعبة هی النازلة بالناس، فالناس اولی بفنائها؛ و ان كان الناس هم النازلون بفناء الكعبة، فالکعبة اولی بفنائها. فلما أتى الكتاب الی المهدي، أخذ الكتاب فقبّله ثم أمر بهدم الدار. فأتی أهل الدار أبا الحسن علیه السلام فسألوه ان یکتب الی المهدي کتاباً فی ثمن دارهم. فکتب الیه أن أوضح لهم شیئاً فأرضاهم.

أقول: و الروایتان مشتملتان علی استدلال لطیف. و كأنّ أبا جعفر المنصور كان هو البادی بتوسعة المسجد الحرام. ثمّ تمّ الأمر للمهدي. (انتهی ما فی المیزان)

درباره تاریخ الکعبی و شکلها و کسوتها و منزلتها و ولايتها مطالب موجز و مفیدی در تفسیر

المیزان ج ۳ از ص ۳۹۴ تا ص ۴۰۰ وارد است.

ترجمه:

در تفسیر المیزان از تفسیر عیاشی از عبدالصمد نقل می کند:

منصور دوانیقی خلیفه عباسی خواست تا مسجد الحرام را گسترش دهد، بدین جهت افرادی را فرستاد تا خانه های مجاور بیت الله را از صاحبانش خریداری کنند. مالکین منازل از فروش خانه های خود امتناع ورزیدند. منصور برای خرید بر مبلغ اضافه نمود تا بلکه آنان راضی شوند، باز صاحبان خانه از فروش خانه های خود سر باز زدند منصور دوانیقی دلتنگ شد و در کار مسجد الحرام متحیر ماند.

خلیفه عباسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: من از صاحبان این منازل درخواست کردم که قدری از منازل و درگاه آن را بفروشند تا به مساحت مسجد الحرام اضافه کنم ولیکن آنان امتناع ورزیدند و بدین جهت غم و اندوه مرا گرفته است و در کار خود حیران شده ام.

امام صادق علیه السلام فرمودند: برای چه مغموم و اندوهناکی! در حالیکه دلیل و حجت تو بر علیه آنها بسیار روشن و واضح است. منصور عرض کرد: به چه دلیلی با آنان استدلال نمایم؟ حضرت فرمودند: با کتاب الهی قرآن کریم. عرض کرد: در کدام آیه این مطلب وجود دارد؟

حضرت فرمودند: در آیه شریفه: بدرستی که اولین خانه ای که برای مردم بنا شده است آن خانه ای است که در مکه است پس در این صورت خداوند به تو خبر داده است که اولین خانه ای که برای مردم ساخته شده کعبه می باشد، پس اگر این افراد قبل از بنا کعبه در اینجا خانه و مسکن داشته آنها اولی هستند به بقاء و سکنی در این محل و اگر خانه خدا قبل از بنا خانه های آنها بوده است پس حریم کعبه مقدم است بر حریم خانه های آنها.

منصور خلیفه عباسی صاحبان خانه ها را فراخواندند و این استدلال را برای آنها بیان کرد آنها نیز گفتند: حال که چنین است هر کاری که مایل هستی بجای آور.

و نیز در تفسیر عیاشی از حسن بن علی بن نعمان نقل می کند:

زمانی که مهدی خلیفه عباسی مسجد الحرام را توسعه می داد در گوشه مسجد الحرام خانه ای بود که صاحبش به فروش آن رضایت نمی داد، خلیفه عباسی این مسأله را با فقهاء حاکم در میان گذاشت همگی به اتفاق فتوی دادند، جایز نیست هیچ چیزی را به طور غصب داخل مسجد الحرام کنی. پس علی بن یقطین به او گفت: من این مسأله را در نامه ای به موسی بن جعفر علیه السلام می نویسم پس به حاکم مدینه نوشت: ما می خواهیم خانه ای را داخل مسجد الحرام کنیم ولیکن صاحب

آن رضایت نمی دهد. چگونه می توانیم این مشکل را حل کنیم؟
حاکم مدینه این مطلب را با موسی بن جعفر علیه السلام در میان گذاشت.
موسی بن جعفر فرمود: آیا پاسخ این سؤال الزامی است؟
حاکم عرض کرد: بلی الزامی است.

حضرت فرمودند: بنویس: بسم الله الرحمن الرحيم. اگر کعبه، پس از بناء خانه های اطراف بسوی مردم آورده شده است پس مردم سزاوارترند به حریم خانه های خود. و اگر مردم پس از بناء کعبه به حریم آن پناه آورده اند پس کعبه سزاوارتر است به حریم خود. وقتی که این پاسخ به دست مهدی خلیفه عباسی رسید آنرا بوسید و سپس دستور داد تا آن خانه را خراب کنند. سپس صاحب خانه خدمت موسی بن جعفر علیه السلام رسید و از آن حضرت تقاضا کرد نامه ای به مهدی خلیفه عباسی بفرستید و دستور دهند که قیمت خانه را به آنان بپردازد حضرت نامه ای نوشتند و خلیفه نیز چنین کرد.^۱

داستانی از فرزند علامه طهرانی آیه الله سید محمد محسن حسینی طهرانی:

یکی از علمای معروف طهران که با حضرت والد رضوان الله علیه انتساب سببی داشت و قبل از مرحوم والد به رحمت خدا رفته بود به جهت فوت مادرشان و تدفین او در مشهد از طهران به مشهد آمده بودند - مرحوم والد و حقیر نیز در این تشییع شرکت کرده و تا حرم مطهر ایشان را تشییع نمودیم. سپس به منزل مراجعت کردیم.

فردای آن روز آن شخص عالم جهت تشکر به منزل مرحوم والد آمدند و حقیر نیز در آن مجلس حضور داشتم. در بین صحبت بحث به تخریب اماکن و بناهای مجاور حرم مطهر پیش آمد و ایشان به شدت از این مسأله انتقاد می کرد. از جمله می گفتند: مدرسه خیراتخان که زمین آن وقف برای مدرسه علوم دینی است و در کنار صحن مطهر قرار داشته است در این تخریب اخیر از بین رفته و جزء ساختمان های حرم مطهر شده است و من (آن شخص عالم) این مطلب را با یکی از مسئولین طراز اول در میان گذاشتم و ایشان به شدت ناراحت شده بطوری که لرزه بر اندام او افتاد و گفت: چطور ممکن است این زمین وقفی را جزء بناهای حرم مطهر نمایند؟! مرحوم والد قدس سره شروع کردند به صحبت و این روایت توسعه مسجد الحرام را در آنجا ذکر کردند و این مسئله را شاهد بر جواز تخریب این مدرسه و

^۱ مطلع انوار، ج ۲، ص ۲۳۰

الحاق آن به حرم مطهر قرار دادند و همان ملاکی را که امام علیه السلام برای تخریب خانه های مجاور بیت الله الحرام ذکر کردند برای جواز تخریب خانه ها و اماکن مجاور حرم مطهر در اینجا ذکر کردند و فرمودند: هیچ اشکالی ندارد زیرا حرم مطهر امام رضا علیه السلام متعلق به همه شیعیان در سراسر دنیا است و او بر سایر تعلقات ملکی حکومت و غلبه دارد.

آن فرد عالم از این کلام مرحوم علامه بسیار تعجب کرد و گفت: اگر قرار باشد برای زیارت امام رضا علیه السلام که یک امر مستحب و ممدوح است نه واجب انسان مجاز باشد که زمین وقفی را که تصرف آن در غیر مورد وقف شرعاً حرام می باشد تصرف کند پس می توان گفت:

برای غسل جمعه که یک امر مستحب است در صورت نبودن آب انسان بیاید و آب از شخص دیگر را از دست او برباید و غصب کند و با او غسل جمعه مستحب بجای آورد در حالیکه بالبداهة العقلية و الشرعية این عمل حرام است و نه تنها غسل باطل است و مرتکب گناه شده بلکه موجب ضمان نیز می شود.

مضافاً به اینکه در روایت ملاک اولویت بر تقدم بنای کعبه بر سایر بناها ذکر شده است در حالیکه در مورد حرم مطهر قضیه به عکس است زیرا بدن مطهر امام علیه السلام در وقتی در این مکان بخاک سپرده شده بود که اطراف آن معموره و آبادی بوده است و املاک قبل از دفن بدن مطهر وجود داشته است.

مرحوم والد قدس سره دیگر سکوت کردند و مطلب را ادامه ندادند.

روز بعد که به اتفاق ایشان بسمت حرم مطهر برای زیارت می رفتیم به ایشان عرض کردم: این مطلبی که دیروز بین شما و آن شخص بحث شد مطلب بسیار مهم و دقیق و ظریفی است که کسی از آن خبر ندارد مگر بعضی از اهل باطن و معرفت که به حقیقت ولایت ائمه علیه السلام و ضرورت آن و کیفیت تأثیر گذاری آن در احکام شرعیه رسیده باشند و این مسئله یکی از اسرار عالم تشریح و ملاکات احکام می باشد و آن شخص عالم و غیر او ابداً از این مطالب خبر ندارند.

ایشان فرمودند: بله مسئله همینطور است. اینها خیال می کنند حرم امام رضا علیه السلام با سایر اماکن متبرکه چون مسجد و حسینیه و امثالها یکی است. اینها نمی دانند که زیارت امام رضا علیه السلام اصل و اساس شریعت است و همه احکام و تکالیف به ولایت اینها بر می گردد و حرم امام رضا علیه السلام بعنوان مأمّن و ملجأ و پناهگاه و کھف همه شیعیان دنیا مطرح است و همه باید به اینجا بیایند و بار خود را در اینجا فرود آورند و دین خود را بدینجا عرضه بدارند و از اینجا سیراب شوند و به اوطان

خود باز گردند. بنابراین اگر محل زائر امام رضا علیه السلام به نحوی باشد که موجب ضیق و عسر و حرج و زحمت زائر باشد باید ترتیبی داده شود که همه بتوانند با راحتی و انبساط و آرامش به زیارت و کسب فیض موفق گردند. چطور که اگر در موردی زمینی وقفی موجب عسر و حرج برای اهالی گردد بعنوان حکم ثانوی می توان آنرا تبدیل نمود در اینجا نیز مکان زائر امام علیه السلام از آنجا که باید برای همه علاقمندان و شیعیان و حتی غیر آنها از سایر فرق ملجأ و پناهگاه باشد می توان آن مورد را تبدیل به حسن نمود و سپس ادامه دادند: اینها از شرع و احکام شرع فقط یک ظاهری اندک را یاد گرفته اند و بسیاری از مسائل از دیدگاهشان مخفی می باشد.^۱

^۱ اسرار ملکوت، ج ۲